
تفسیر قرآن کریم
جلد ۲
همراه با پرسش و پاسخ
توسط استاد فرزانه
حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی
سوره بقره آیه ۲۸
مجتمع فرهنگی ، مذهبی هیئت قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن کریم سوره بقره

نویسنده:

مهدی فقیه امامی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸ جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۲

عنوان و نام پدیدآور:تفسیر قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۸ جلد ۳ همراه با پرسش و پاسخ/ سید مهدی فقیه امامی.

متن سخنرانی جلسه تفسیر حجه الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی در مجتمع فرهنگی، مذهبی قائمیه اصفهان ۱۳۹۲/۰۴/۲۱

سوم رمضان المبارک ۱۴۳۴

ناشر چاپی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب

موضوع: قرآن کریم

مقدمه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

لاحول و لا قوۀ الا بالله العلی العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ثم الصلوۀ و السلام علی سیدنا احمد حبیب اله لعالمین ابا القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین سیما بقیۀ الله فی الارضین روحی و ارواح العامین لتراب مقدمه الفداء واللعنۀ علی اعدائهم و مخالفیهم و غاصبی حقوقهم و منکری فضادلهم و مناقبهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

جهت خوشنودی آقا امام زمان حجت بن الحسن و تعجیل در فرج آن حضرت صلواتی عنایت بفرمایید!

شام جمعه است جهت خوشنودی ارواح مومنین و مومنات و همه گذشتگان از شیعیان آقا امیرالمومنین صلوات دوم را جلی تر ختم بفرمایید.

کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ کُنْتُمْ أَمْواتاً فَأَحْیاکُمْ ثُمَّ یُمیتُکُمْ ثُمَّ یُحْییکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

سید مهدی فقیه امامی

سوم رمضان المبارک ۱۴۳۴

تفسیر

چگونه بخدا کافر میشوید (فرمان او نمیبرید) در حالی که مرده و بی‌جان بودید، پس شما را زنده کرد باز بمیراند پس از آن زنده‌تان میگرداند، پس از آن بسوی او شما را بازمیگردانند

پس از آیات گذشته که به صورت مختصری به عرض عزیزان تفسیر آن را گذراندیم در مورد این آیه شریفه که خداوند توبیخ میکند کسانی را که انکار میکنند آن وجود مقدس را و می فرماید چگونه است که شماها به وجود خداوند کافر میشوید در حالی که میدانید شما چیزی نبودید و خداوند شما را زنده گردانید و حیات به شما بخشید و پس از آن هم شما را خواهد میرانید و پس از

ان مجددا زنده خواهد کرد که اشاره به دوران برزخ است و پس از آن روز قیامت خواهد بود و به سوی خداوند بازگشت خواهید کرد .

در زمینه کفر البته میدانید در این آیه اشاره به کفر نسبت به خداوند دارد كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ ظاهر آیه به واسطه کیف استفهام است اما اصطاحا میگویند استفهام توبیخی یعنی سوال حقیقی پرسیده نشده چون خداوند می داند که چرا اینها کافر شدند و فقط به جهت توبیخ از آنهـا سوال شـده است با توجه به آنچه که در وجود خودتان می یابیـد علت کفر شـما چیست کیف تکفرون بالله البته همه میداننـد که کفر به خـدا منشأ همه انکارها و عصـیان های دیگر است و کسـی که به خـداایمان ندارد رسول آو را نمی پذیرد وصـی پیغمبر را نمی پـذیرد و تـابع مکتب وحی نمی شود و اعتقـاد به معـاد نـدارد و بازگشت جسـمی را انکار می کنـد پس تمام کفریات بازگشتش به کفر به خداست!

و اما در زمینه مسـئله موت و حیات که یک مسـئله علمی است و این مبحث مربوط به حوزویان وعزیزان طلبه است ! برخی معتقـدند که حیات امر وجودی است و موت امر عـدمی است پس در واقع تقابل بین موت و حیات ، تقابل ملکه و عـدم ملکه است البته ظاهر آیات خلاف این مطلب را میفرمایـد چرا که ظاهر آیات می فهماند که بین موت و حیات تضاد است و تضاد در بین دو امر وجودی است البته این اختلاف فقها و متکلمین با فلاسـفه هست حتی در موضوعی مثل خیر و شـر همینطور است و علما خیر و شر را با توجه به آیـات و روایات وجودی می داننـد و فلاسـفه خیر را وجودی و شـر را عـدمی میدانـد در این زمینه علماب بسیاری کتب اعتقادی نوشـتند مثـل مرحوم آیت الله طیب که کتـاب اعتقادی کلم الطیب را نگاشـته است و به این امور اشاره دارد و جمع بین هر دو نظریه کرده است و فرموده است بسـتگی دارد که مـا حیات را چگونه معنا کنیم اگر منظور از حیات ، حیات مادی و نباتی باشـد تقابل بین حیـات و موت ملکه و عـدم ملکه است یعنی مرگ نـابود کننـده این زنـدگی مـادی و حیـات نبـاتی است امـا اگر حیات را ما حیات انسانی و روحی بدانیم دیگر حیات روحی انسان با مرگ تمام نمی شود بلکه مسـئله مرگ حرکت از نشئه ای به نشئه ی دیگر است و در واقع مرگ هـم امر وجـودی است یعنی یـک حرکت و انتقـال از عـالمی به عـالم دیگر پس در این صـورت مرگ امر عـدمی نخواهد بود و تقابل این دو ضدین خواهد بود درآیات هم به همین نتیجه میرسیم فرموده است

الَّذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیاةَ (ملک ۲) یعنی خداوند هم موت را خلق کرده و هم حیات را !! اگر مسئله موت امر عدمی بود کلمه خلق برای او به کار نمی رفت.

در جـای دیگر فرموده است حَتیَّ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ (انعام ۶۱) اشـاره به این دارد که مرگ یـک امر وجودی است و برای امر عـدمی کلمه جاء به کار نمیرود و آمدن مرگ نشان دهنده وجودی بودن مرگ است پس با توجه به آیات و با توجه به اینکه حیات را حیات انسانی بگیریم نه حیات نباتی به نتیجه می رسـیم که مرگ امر عـدمی نیست و امر وجودی است و تقابل بین حیات و موت ضدین است ! به همین مقدار از این بحث بسنده میکنیم و مجال این بحث اینجا نیست.

در ادامه فرموده است (وَ كُنتُمْ أَمْوَاتًا)که اشـاره به انتقال از یک عالم به عالم دیگر است و از نشـئه ای به نشـئه دیگر و نشان دهنـده این است که انسـان هـا ابتـدائا حیـات مادی نداشـتند و از نظر جسـمی و ظاهری حضور نداشـتند و به صورت ژن هایی بودنـد پشـت آبائشان (فَأَحْيَكُمْ) و خداونـد به آنان جان بخشـید و روح عنایت کرد و انسان ها پا به عرصه وجود نهادند این توضـیحی برای کلمه موت اول در آیه است (فَأَحْيَكُمْ) خـدا حیـات نبـاتی به انسـان بخشـید و اگر انگونه نـدانیم این مطلب را میرسانـد که انسانها قبل از تولدشان حیاتی دیگر نداشـتند در حالی که همه میدانیم که انسانها قبل از وجود مادیشان عوالم دیگری راگذارانده اند ، عالم ارواح ،عـالم اظله و اشـباح ، عـالم ذر که ارواح عوالم و دوران هـا را گذرانـده انـد و دارای حیات انسانی بوده انـد و دارای حیات مادی و نباتی نبودنـد که با تولـدشان دارای این حیات مادی میشوند و پا به عرصه وجودمی گذارند و حیات اول در ایه حیات مادی و نباتی اسـت (ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يحُيِيكُمْ) مسـئله مرگ است که همه انسانهـا به آن اقرار دارنـد(ثُمَّ يحُيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) بعـد از چشانـدن

مرگ شمارا زنده میکند اشاره به مسئله قیامت و به قول بعضی اشاره به مسئله رجعت است که پس از دست دادن حیات مادی مجددا به این عالم برمی گردند و زندگی دنیوی دیگری را آغاز خواهند کرد حالا بحث رجعت هم بحث بسیار مفصل و زیبایی است و زیاد در مورد این بحث کار و تحقیق نشده است و در اصل مسئله علما بحث کردند تا در مقابل اهل سنت که منکر رجعت هستند پاسخ دهند ورجعت از اصول و مبانی فکری تشیع و از ضروریات این مکتب است که در اصل رجعت بسیار زحمت کشیده اند و در فروع و مسائل دیگرش وارد تحقیق زیادی نشدند البته اشاره کرده اند که رجعت قبل از ظهور امام زمان اتفاق خواهد افتاد که عده ای و به قولی همگی برخواهند گشت و در این دنیا باز زندگی مجددی خواهند داشت برای آنکه بدانند خداوند برای متقیان عاقبت خیری هم در این دنیا و هم در آخرت قرار داده است (وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقینَ ۱۲۸ اعراف) روزی خواهد رسید که تمام مردمی که در دنیا اهل ایمان بودند و به خاطر ایمانشان بهره ای کافی از دنیا نبردند و در دنیا زجرکشیدندروزی خواهد رسید که در این دنیا زیر سایه اهل بیت معصومین علیهم السلام بهره کافی را خواهند برد و این نیست که انسانهای متقی امرشان موکول به قیامت خواهد شد خیر در همین دنیا هم از نعم دنیوی بهره ای وافرخواهند برد از طرف دیگر هم انسانهای فاسد کفار و مشرکین اینگونه نیست که امرشان فقط به آخرت موکول شود بلکه در حکومت اهل بیت آنان هم رجعت کرده و به مجازات اعمالشان خواهند رسید و همه ما معتقدیم که امام عصر ارواحنا له الفداء بعد از ظهور مبارکشان آن دونفر را از کنار پیغمبر بیرون خواهند کشید و آنان را به سزای اعمالشان خواهند رساند و آن مخدره را هم به خاطر اذیت ها و آزارها و تهمتهایی که زده است و جسارتهایش به پیامبر اکرم و جنگ و کشتار شیعیان و شمشیر بر امام علی علیه السلام کشیدن ، مجازات و شلاق خواهند زد و بزرگان از منافقین و کفار را هم همینطور غیر از آخرت در همین دنیا به سزای اعمالشان خواهند رسید.

پس خداوند به انسانها که حیات اولیه و نباتی نداشتند به آنان حیات را عنایت می کند پس از آن با مرگ از دنیا خواهند رفت و سپس زنده خواهد کرد(کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ کُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْیَکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یحُییکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ) و پس از مسئله رجعت مسئله قیامت برپاست که إ(نَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ ۱۵۶بقره) بازگشت همه بسوی خداست! قیامت برای انسانها برپاخواهد شد از نیستی به دیار وجود پس از آن عالم مرگ و برزخ پس از آن حیات مجدد و سپس معاد و بعد دنبای آخرت با توجه به همه اینها چگونه خدا را منکر میشوند نکات زیبایی را بعضی بزرگان فرمودند که در این آیه سه تا دلیل بیان شده است دلیل اول حسی و وجدانی است و دلیل دوم برهانی است و سومی دینی قرآنی است .

مطلب اول حسی وجدانی است یعنی خداوند به کفار اشاره میکند که مگر خودتان احساس نمیکنید که نبودید و سپس خداوند به شما حیات بخشیده است و همه ما میدانیم که زمانی نبودیم و بعد حیات یافتیم و پا به عرصه دنیا نهادیم که هرروز در دنیا شاهدیم که عده ای به دنیا می آیند و عده ای از دنیا میروند و این یک امر حسی وجدانی است.

مسئله دیگر عقلی و غیبی و برهانی است که آن مسئله مرگ و پس از مرگ است که انسانها میدانند میمیرند ولی از لحاظ حسی بعد از مرگ را نمیتوانند تشخیص و احساس کنند و خداوند اشاره به مسئله برزخ میکند وپس از آن مسئله معاد و قیامت که عقلی و برهانی است ودر مجموع خداوند اشاره قرآنی به امر معاد دارد که مسئله ثبوت عالم برزخ است و وقایع پس از موت تا وقوع قیامت وبازگشت خلائق به خداوند تبارك و تعالی است .

فرق بین حیات اول و حیات دوم این است که حیات اولی پس از مرگ خواهیم داشت حیاتی است که فقط روح ما زنده است و البته بعضی گفته اند پس از مدتی یا در شب اول قبرروح به جسم برمیگردد و عده ای هم این قول را نپذیرفته اند و اشکال کردند و گفته اند اگر پس از مدتی قبر را بشکافیم یا دوربینی در قبر بگذاریم هیچ حرکت و عکس العملی دیده نخواهد شد پس چگونه روح دوباره به جسم بازگردد و این مطلب است اختلافی و موضوع بحث ما نیست اما در برزخ آن جسم دیگر برنمیگردد بلکه روح است که به یک قالب مثالی برمیگردد و با آن قالب مثالی اگر انسان مومنی بوده لذت های عالم برزخ را خواهد چشید و اگر انسان

بـدی بوده است در برزخ هم دچار عذاب خواهد شد اما حیات اخروی و مساله معاد انسانها طبق صـریح آیات قرآن دوباره آن روح به همان جسم ملحق خواهد شد و همان جسـمی که در دنیا داشته است و گفته میشود معاد جسـمانی عنصـری که از معتقدات شیعه است و برخی از شخصـیتهای اهل معقول و فلسـفه اینها معتقدنـد در قیامت هم قالب مثالی خواهـد بود و روح هم یک جسـمی مانند جسم دنیوی خواهـد ساخت که البته این نظر مخالف صـریح آیات قرآنی و روایات است (بَلی قادِرینَ عَلی أَنْ نُسَوِّیَ بَنانَهُ ۴ قیامت) ما قادر خواهیم بود که حتی بنـد انگشـتان راهم بازگردانیم اما فلاسـفه و اهل معقولات گفته اند که از لحاظ علمی این موضوع قابل برگشت نیست که این ادعا مطلب بسـیار غلطی است که از انحرافات اعتقادی است البته بعضـی از اینها انسانهای منصـفی بودنـد مثل بوعلی سـینا که او اعلام میکند من از لحاظ عقلی و براهین علمی نتوانستم برگشت همین جسم عنصری را ثابت کنم اما چون صادق مصـدق پیامبر گرامی اسـلام فرموده است معاد جسـمانی است تعبـدا میپذیرم اما عده دیگری مثل ملاصدرای شـیرازی صـریح اعلام میکنـد که معـاد جسـمانی عنصـری در قیامت نخواهـد بود و جسم دیگری برای انسان خواهـد بود و در قالب مثالی است و کاری به روایات و آیات صـریح در معاد جسـمانی نـدارد یا آنها را توجیه میکنـد خدا میفرماید(َ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمیمٌ قُلْ یُحْییهَا الَّذی أَنْشَأَهـا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِکُـلِّ خَلْقٍ عَلیمٌ ۷۹-۷۸ یس) ای پیغمبر اگر از تو سوال کردنـد که خـدا چگونه اسـتخوانهای خاکستر شده را زنده خواهد کرد؟ بگو: کسـی آنها را زنده می‌کند که در آغاز بیافریده است، چه کسـی شـما را از نیستی وجود بخشـید هم او قادر است که جسم پوسـیده شـما را به همین شـکل خلق کند. که از طریق علمی هم این مسئله ثابت شده است که در مسئله DNI هم به آن اشاره شده است

امام صادق علیه السـلام فرمودند : وَ رُوِیَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِیِّ أَنَّهُ قَالَ: سُـئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْمَیِّتِ هَلْ یَبْلَی جَسَدُهُ فَقَالَ نَعَمْ حَتَّی لَا یَبْقَی لَحْمٌ وَ لَـا عَظْمٌ إِلَّا طِینَتُهُ الَّتِی خُلِقَ مِنْهَـا فَإِنَّهَـا لَـا تَبْلَی تَبْقَی فِی الْقَبْرِ مُسْـتَدِیرَةً حَتَّی یُخْلَقَ مِنْهَا کَمَا خُلِقَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.(من لا یحضـره الفقیه، ج ۱، ص: ۱۹۲- الکافی (ط - دارالحدیث)، ج۵، ص: ۶۱۸)

امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد : از هر موجودی چیزی بـاقی خواهـد مانـد به عنوان مسـتدیره که مسـتدیره یعنی چیزی که شـکل هزیـولی (فنری شـکل و گرد) دارد امروزه اگر عکسـهایی که توسـط میکروسـکوپ هـای قوی از D N I انسانها گرفته شده اسـت ملاحظه کنیـد می بینیـد دقیقا به شـکل مسـتدیره است یعنی همان چیزی که امام صادق به آن اشاره فرموده بودنـد که جـذب جایی نخواهد شد وهنگامی که اسـرافیل در صور می دمد این مسـتدیره ها از لانه های پرندگان هم که شده است اینها را بهم ملحق کند و همـانگونه که شـکل مـادی بود برخواهـد گشت و روح در او حلول خواهـد کرد و انسـان بـا همـان جسم مـادی و روح انسانی خود برانگیخته خواهد شد و اینجا هم در این آیه اشاره شده است به عدم اولیه و حیات اولیه و موت و رجعت و معاد جسمانی را (وَ کُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْیَکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یحُْیِیکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ) و همچنین (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ)

و این بحث مفصل است و در این مجال کم فرصت بیان نیست و به همین مختصر کافی باشد!

در ادامه آیـات خداونـد تبـارک و تعالی فرموده است:((هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَّا فیِ الْأَرْضِ جَمِیعًا ثُمَّ اسْـتَوَی إِلیَ السَّمَاءِ فَسَوَّئهُنَّ سَـبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِکلُِّ شیَ‏ءٍ عَلِیم ۲۹) اوست آن خدایی که همه آنچه را در زمین است برای شـما آفرید، سپس آفرینش آسمان را [که به صورت مـاده‌ای دود ماننـد بود] اراده کرد و آن را به شـکل هفت آسـمان [همراه با نظامی اسـتوار] درست و نیکو قرار داد و او به همه چیز داناست و بر اساس حکمتش خلق فرموده است.

خداونـد بـاری تعـالی فرموده است (خَلَقَ لَکُم مَّا فیِ الْأَرْضِ جَمِیعًا) آنچه که آفریـدیم برای منفعت بردن انسانهاست که تقـدم لکم افاده حصـر میکنـد فقط و فقط برای انسانها خلق شده است و برای موجود دیگری این مخلوقات را خلق نکردیم ! و خدا منت بر سر ما نهاده است که این همه نعم موجود که قابل شمارش نیستند از حیوانات و نباتات همه را خدا برای انسانها خلق فرموده است.

خدا به دو گونه انتفاع در این آیه اشاره میکند یعنی اعم از آنچه که خدا برای ما خلق فرموده است یک انتفاع مادی که همین انتفاع

از گوشت و پوست حیوانات و استفاده ازچوب و سبزی گیاهان و درختان وانتفاع از جو زمین برای تنفس و ادامه حیات و زندگی توسط آبها و کلا منافع مادی از موجودات است . دیگری انتفاعات معنوی است که نکته ظریفی است و اشیا و موجودات فقط نفع مادی ندارد و منفعت معنوی هم دارد مثل شتر که دهها منفعت مادی دارد استفاده از گوشتش و شیرش میکند و برای انسان بارکشی می کند و دهها استفاده مادی دیگر واما استفاده معنوی دیگر(أ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ ۱۷) برو به شتر بنگر که توحید را میتوانی درک کنی

پس (از آن مردم را بفکر و اندیشه در مخلوقات عجیبه و آفریده شده‌های شگفت‌آور امر نموده تا آنها را بر قدرت و توانایی و توحید و یگانه دانستن و اعاده و بازگردانیدن او «جلّ شأنه» دلیل آورند، میفرماید:) آیا (منکرین معاد و کسانی که روز بازگشت را باور ندارند) شتر را نمینگرند که چگونه آفریده شده؟ (که با این بزرگی رام کودکی میگردد، و تا ده روز و بیشتر میتواند آب نیاشامد، و از گوشت، پوست، شیر و کرک آن سود برند و پاها و لب وی چه خصوصیتی دارد که هر چه دقت کنی اعجاب خلقت خدا و قدرت وی به حیرت وا میدارمان . ما خار را نمی توانیم در دستانمان فشار دهیم که منجر به زخمی شدن و خون آلودگی میگردد چه برسد به لب و دهان که لطیف تر است اما شتر به واسطه خارهایی که در بیابان است متنعم میشود و آن خارها را به راحتی می بلعد و گلو و لب و دهان شتر زخم نمی گردد حالا انسان باید پی به قادر بودن خدا شود و در خلقت شتر در حیرت بسر ببرد چه پاهایی خلق کرده است که در این ماسه ها و شن های روان حرکت میکند که هر موجود دیگری به سختی میتواند حرکت کند و با وجود کوهان میتواند مدت زیادی بدون غذا و آب تحمل کند که حیوانات دیگر این توان را ندارند که بتوانند اینگونه حتی در بیابانها خدمت به انسان کنند اینها استفاده مادی دارند و البته استفاده معنوی که پی به وجود خدا وقدرت و حکمت او خواهیم برد

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

این آفرینش خداست و همه را برای ما با قدرت و حکمت خلق کرده است وبرای اینکه بعضی شبهه دارند که بعضی از حیوانات چه نفعی برای ما دارد پاسخ اول ما این است که ندانستن نفع موجودات به خاطر جهل و نادانی ماست مگر ما همه چیز را میدانیم و مگر علم پیشرفت کرده که خواص همه چیز را بداند . شخصی در قدیم در کاروانسرایی بین راه سوسکی را دیده و در ذهنش خطور کرد که در این بیابان گرم و بی آب و علف چرا این سوسک خلق شده و حکمت خلقتش چیست بعد از آن مسافرت به بیماری بدی مبتلا شد و دملی در پایش پدید آمد و اطبا از درمانش عاجز شدند که مدتی بعد خبردار شد طبیب حاذقی در آن حوال آمده و بعد از حضور نسخه ای به اوداده شد که باید سوسکی راخاکستر کرده با روغن و ... بر روی جراحت بگذارد که آن موقع یکی از حکمتهای خلقت آن نوع سوسک را فهمید (به حیوة الحیوان دمیری رجوع شود)

ما از علم به یک حرفش هم نرسیدیم دیگر چه برسد به فهمیدن اسرار خلقت

پاسخ دیگر اینکه بعضی منافع موجودات ممکن است مستقیم نباشد و با واسطه تاثیر در زندگی و دنیای ما داشته باشد البته که ماهیان دریاها که باید در تور انسانها بیافتند و خوراک انسان شوند آنها هم نیاز به خوراک دارند و ممکن است خوراک ماهیان، مستقیم به نفع ما نباشد اما به واسطه مورد استفاده ماست و اگر ما درک نمیکنیم نباید منکر خاصیت موجودات شویم و به فرض که هیچ منفعت مادی نداشته باشند خلقتشان برای انسانها استفاده معنوی خواهد داشت و اگر انسانها با دقت مخلوقات خدا را بنگرند واقعا توحیدشان کامل خواهد شد و هیچ دانشمندی روی این کره زمین نیست که با علم وتدبر در پدیده ها منکر خدا باشد .خداوند همین چشمی که در کاسه سر ما قرار داده که پزشکان متخصص میگویند اسراری در چشم ما قرار دارد که ما از آن مطلع نیستیم و ما هنوز از وجود خودمان سردر نیاوردیم دیگه چه برسد به باقی موجودات .

حیرت آورتر اینکه متخصصان مغز معترفند که ذره ای از اسرار مغز را میدانند وبسیاری از رازهای مغز خبری ندارد و نمیدانند

سلولهای مغز چگونه کار میکند؟ چگونه فرمان میدهد چگونه اطلاعات و علوم را نگه میدارد و هزاران هزار سوال که انسان در مورد وجود خود دارد و پاسخ علمی ندارد و هاله ای از ابهام باقی است

البته طغیان انسان زیاد است و وقتی ذره ای چیز دانست فکر میکند میتواند در برابر خدا بایستد کلاًّ إِنَّ الْانسَانَ لَيَطْغَى- أن رَّءَاهُ اسْتَغْنىَ (۶-۷) و این چیزی است که روشنفکران به جوانان ما القا میکنند و اینها دچار خودبزرگ بینی شده اند و خود را عقل کل میدانند فلذا هر روز یک ایرادی به احکام الهی و مخلوقات و به عالم میگرند چرا یکی کور است و دیگری فرزندش فلج و ...از اینگونه سوالات فراوان میشود که لاتسئل عما یفعل و هم یسئلون خدا هرگز مورد سوال قرار نمیگیرد ما نباید از خدا سوال کنیم اگر خدا را بشناسیم سوال معنا و مفهوم ندارد و اگر سوال میکنیم برای این است که خدا را به خوبی نشناختیم و باید همه چیز را ازخدا بدانیم و تسلیم حکمت او باشیم صلواتی عنایت کنید.

سوالات حضار در جلسه

۱- در آیه آمده است که كُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يحُْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُون با فاء عطف شده و سپس با ثم یا در آیه دیگر فرموده هُوَ الَّذِى خَلَقَ لَكُم مَّا فىِ الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلىَ السَّمَاءِ فَسَوَّئهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَات آیا فرقی دارد و معنای خاصی دارد؟

برخی گفته اند که عطف با فاء ترتیب را می رساند و با ثم ترتیب است با تاخیر بیشتر که در اینجا یعنی خلقت زمین مقدم بر خلقت آسمان است و بعضی از بزرگان فرموده اند که این تاخیر را همه جا نمی رساند انشالله فرداشب بیشتر به آن خواهیم پرداخت .

۲- كُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يحُْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُون اول موت مقدم است و بعد حیات چرا؟

موت اول به معنای نیستی است و طبیعی است که انسان از نیست و عدم به وجود حیوانی و نباتی رسیده وبا توجه به عوالم گذشته و دقت در مطالب فوق تفهیم آیه راحت تر است که موت دوم مرگ دنیوی است که از مرحله ای به مرحله دیگر میرود که نهایتا بعد از حیات به عالم اخروی میرود با آن توضیحات فوق ؛ است

۳- آیا آیه (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) دال بر وحدت وجود و یکی بودن ما با خدا نیست؟

بله در عقاید متصوفه هم میگویند که ما جزئی از ذات خدا هستیم که این اعتقاد باطل است و مخالف باآیات محکم و روایات متقن است در روایت آمده است که

. اشعث گفت:

«إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ»! يعنى: «ما از آن خدائيم و به سوى او بازمى‌گرديم- بقره: ۱۵۶»، پس امير مؤمنان عليه السّلام او را فرمود: آيا تأويل آن را مى‌دانى؟ اشعث گفت:

تنها توئى پايان علم و نهايت دانش! فرمود: امّا اينكه گفتى: «إِنَّا لِلَّهِ» با اين كلام به بودن خود به خواست خدا اعتراف نمودى و با گفتن: «وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ» به مرگ خود اقرار كردى (تحف العقول / ترجمه جعفرى، ص: ۱۹۲)

همچنين امام صادق عليه السّلام فرمود:

و مرد لازم است گفتن: إنّا للَّه و إنّا إليه راجعون. يعنى: ما جمله بنده و مملوك خدائيم و بازگشت همگى ما بسوى اوست.(من لا يحضره الفقيه / ترجمه غفارى، على اكبر ومحمد جواد و بلاغى، صدر، ج‌۱، ص: ۱۹۴) ۳- برخورد ما و ظیفه ما با شیعیانی که منکر رجعت یا معادند چگونه است؟

البته برخورد با افراد بستگی به شرایط مختلفی است اگر احساس کرد که شخص جاهلی است و به خاطر ندانستن روایات و فهم آیات اینگونه قضاوت میکند که قضیه مشخص و روشن است که باید اورا خودش یا به واسطه عالم دیگری او را هدایت کند و اگر معاند است صحبت کردن راه به جای نمی برد و وظیفه مانع شدن تاثیرگذاری او بر دیگران است تا به واسطه او گمراه نشوند ضمن اینکه وجوه دیگر و مراتب دیگری هم دارد که در امر به معروف و نهی ازمنکر هم نیز دارای مراتب و وجوه مختلفی است ضمن اینکه بعضی از این امور مربوط به حکومتهاست که اگر حکومتهای صالحی باشند باید با وجوه مختلف با این موارد برخورد داشته باشند و جلوی این انحرافات را بگیرند

اللهم انا نسئلك و ندعوك ...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و … جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و…

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و …

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».